



سفر رئیس قوه قضائیه به چین

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه در صدر یک هیئت عالی‌رتبه قضایی، عصر دوشنبه به منظور شرکت در بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضایی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، وارد هانگژو چین شد و مورد استقبال رسمی مقامات این کشور قرار گرفت. رئیس دستگاه قضا در جریان سفر به هانگژو چین، ضمن سخنرانی در مراسم افتتاحیه و اختتامیه بیستمین اجلاس رؤسای نظام‌های قضایی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، با رؤسای دستگاه‌های قضایی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، دیدارهایی دوجانبه خواهد داشت و راهکارهایی راهبردی و عملیاتی را برای توسعه هرچه بیشتر هماهنگی‌ها و همکاری‌های حقوقی و قضایی کشورهای عضو این سازمان مهم، پیشنهاد خواهد کرد.



سیاست‌های ضربتی و مقطعی دولت

محمد رضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در نشست با «مدیران کل حوزه وزارتی وزارتخانه‌ها و حوزه ریاست دستگاه‌های اجرایی» که به منظور ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها برگزار شد، گفت: «در این مقطع که برای ساماندهی و حل مشکلات، در مواردی «سیاست‌های ضربتی و مقطعی» داریم، ایجاد ارتباط بیشتر با رؤسای دفاتر دستگاه‌های اجرایی برای ما اهمیت بسیار زیادی دارد. اگر چه مبنای کار دولت، برنامه هفتم توسعه و برنامه‌مداری است اما در میانه برنامه‌ها ممکن است اولویت‌های مقطعی داشته باشیم که اگر انسجام و هماهنگی باشد کار به درستی انجام می‌شود.» عارف در ادامه خاطرنشان کرد: «راهبرد دولت چهاردهم «وفاق ملی»، هماهنگی و تفاهم با دستگاه‌هاست و بحمدالله نتیجه‌اش تفاهم خوب با قوه قضائیه و سایر دستگاه‌هاست، ما معتقدیم که تمام مسائل باید در فضایی صمیمی و خوب حل شود.»



زیرساخت‌ها برای سرمایه‌گذاری آمریکا مهیا نیست

فاطمه مهاجرانی، در نشست خبری رویدادهای هفتمین نمایشگاه توانمندی‌های صادراتی و سومین اجلاس همکاری‌های اقتصادی ایران و آفریقا در پاسخ به سؤالی درباره حضور بخش خصوصی ایالات متحده در نمایشگاه اکسپو۲۰۲۵ نیز گفت: «طبیعتاً اولویت ایران کارکردن با همه دنیا به‌جز رژیم صهیونیستی است. نکته‌ای که رئیس‌جمهوری نیز تأکید کردند این است که ما منعی برای سرمایه‌گذاری بقیه کشورها نداریم، ولی زیرساخت‌های موجود برای سرمایه‌گذاری آمریکا هنوز مهیا نیست به جهت اینکه هنوز روابط سیاسی ایجاد نشده است.» سخنگوی دولت درباره شایعه سرمایه‌گذاری ۱۰۰۰ میلیارد دلاری آمریکا در ایران و برنامه‌ریزی برای افزایش تجارت ایران و آمریکا نیز خاطرنشان کرد: «ما خیلی از مذاکرات دوق‌زده نیستیم و درباره آن نیز گاردی نداریم. امور داخلی کشور را به‌هیچ‌عنوان به مذاکرات گره نزده و نمی‌زنیم و مسلماً اگر قرار بر سرمایه‌گذاری آمریکا باشد، به یکسری زیرساخت نیاز است که دوستان و مسئولان مربوطه اگر قرار بر انجام باشد، کارهای مربوطه را انجام خواهند داد.»

نشست «تقدم و تأخر توسعه اقتصادی یا سیاسی در ایران»

توسعه سیاسی یا توسعه اقتصادی؟

گفتار
اندیشمندان

گروه سیاست: دهه ۷۰ با ورود به دوره بازسازی پس از جنگ و پس از آن هم انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۷۶، فرصتی برای طرح موضوعاتی مانند اولویت توسعه سیاسی یا توسعه اقتصادی به میان آمد. عده‌ای به طرفداری از تقدم توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی و عده‌ای به عکس آن پرداختند و این بحث هرچند وقت یکبار در فضای آکادمیک و رسانه‌ای و میان سیاستمداران مطرح می‌شود و هنوز پاسخ قطعی به آن داده نشده و این بحث ادامه دارد. حالا کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران با همکاری کانون ایران‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران نشستی با عنوان «تقدم و تأخر توسعه اقتصادی یا سیاسی در ایران» با حضور مسعود نیلی، عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف، حجت کاظمی، عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشگاه تهران، ابوالفضل دلآوری، عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، فرزاد کلبعلی، دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی و استاد مدعو سابق دانشگاه تهران برگزار شد که بخش اول آن که خلاصه سخنان نیلی و دلآوری است، در ادامه می‌آید.

عکس: ایرنا

لزوماً با دموکراسی مشکلات حل نمی‌شود

می‌شود و همانطور که ملاحظه می‌کنید، اکثر کشورهای نفت‌خیز غیردموکراتیک هستند چراکه منابع توسط حکومت توزیع می‌شود و مردم منفعَل هستند و چشم‌آنها به تصمیم‌گیرنده است که برای آن‌ها چه تصمیمی اتخاذ می‌کنند. همین مسئله باعث شده است که در بسیاری از کشورهای نفت‌خیز دموکراسی وجود نداشته باشد. اما اگر در یک کشور نفت‌خیز دموکراسی برقرار شود، به جای اینکه در معرض پاسخگویی قرار گیرد، بسیار در معرض پوپولیسم قرار خواهد گرفت، چراکه حکومتی که منابع را تقسیم می‌کند تنها رای می‌گیرد و مردم نیز به کسی رای می‌دهند که بیشتر تقسیم می‌کند و این همان پوپولیسم است؛ مبنی بر اینکه عوامگرایی می‌کنید. مثال موردی آن ونزوئلا است که یک کشور نفتی است و پوپولیستی اداره می‌شود. از طرفی نیز ممکن است یک کشور نفتی داشته باشیم که فقیر باشد و فساد گسترده در آن حاکم باشد، همچون نيجریه و یا یک کشور نفتی داشته باشیم که رفاه نسبی برای مردم برقرار کرده است اما «مشارکت مردم» در اداره امور حضور نداشته باشد و نمونه آن عربستان خواهد بود. در مجموع تنوع رابطه بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی در کشورهای نفت‌خیز بسیار بیشتر است.

آیا وضعیت بحرانی که در ایران وجود دارد، ناشی از ضعیف بودن دموکراسی در کشور است؟ کارکرد حکومت در این است که در اقتصاد کلان ثبات برقرار کند و با هزینه اندک با دنیا ارتباط برقرار کند. حقوق مالکیت را تضمین کند، از محیط زیست و منابع طبیعی حفاظت کند و... در ایران کدامیک از این موارد انجام می‌شود؟ در واقع کار اصلی که حکومت در زمینه روابط با دنیا انجام می‌دهد در زمینه افزایش هزینه دسترسی است یا کاهش این هزینه؟ آنچه که ثبات اقتصادی کلان را برهم می‌زند دولت است. در تورم اقتصادی و نوسانات نرخ ارز، مقصر مردم نیستند و در نتیجه اینگونه نیست که لزوماً دموکراسی باشد یا نباشد و این مسائل درست شود. ما الان در یک مرحله قبل از دموکراسی هستیم و این است که در ساختن دولت‌ها حکومت به معنی نقش‌هایی که به آن‌ها اشاره کردیم را نداریم و همچنین کیفیت حکومتداری را نداریم. الان دانشجوها و کارشناسان مسائل سیاسی و اقتصادی باید به یک سوال پاسخ دهند که چرا وضعیت ما اینگونه است. برای نمونه باید به این سوال پاسخ داد که چرا دومین کشور بر خوردار از ذخایر گاز دنیا در استیصال کامل در تأمین گاز مردم خود است؟ باید بدانیم که اشکال کار کجاست؟ در کشور ما در هر برنامه پنج‌ساله‌ای که تدوین می‌شود، گفته می‌شود باید در پایان برنامه رشد هشت درصدی داشته باشیم اما هیچگاه نمی‌گوییم که چرا در هیچکدام از برنامه‌های توسعه این رشد اتفاق نمی‌افتد؟ اگر گام اول یعنی دولت‌سازی رخ ندهد، دموکراسی به اشتباه با رای دادن مترادف در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه اقدام اول این است که دانش همگانی باید توسعه یابد و به این سوال فکر شود که چرا وضعیت اینگونه است و در ادامه چگونه می‌شود که اگر مردم بتوانند مطالبه‌ای از نظام حکمرانی داشته باشند می‌توانند مشخص‌ابرای یک موضوع خاص مطالبه‌گر باشند.

که سطح درآمد بالا می‌رود، تقاضا برای حکومتداری (governance) خوب بالاتر می‌شود و به دنبال آن دموکراسی ایجاد می‌شود و برعکس این مسئله نیز وجود دارد. ممکن است با دید مثبتی این مسئله را ببینیم و یا به صورت نرمال به مسئله و به عنوان یک شهروند به موضوع نگاه کنیم. به عنوان یک شهروند دوست دارم در کشوری زندگی کنم که مردم آن رفاه داشته باشند، در یک محیط دموکراتیک زندگی کنند و ارتباط خوبی بین یک کشور با دیگر کشورها برقرار باشد. اما آن چیزی که در تئوری عنوان می‌شود این است که اگر بخواهیم بین دموکراسی و رشد اقتصادی ارتباط برقرار کنیم، دو کانال عکس همدیگر وجود دارد که یکی از آن‌ها تقویت‌کننده رشد اقتصادی است و دیگری تضعیف‌کننده است. آنچه که تقویت‌کننده رشد اقتصادی است بدین صورت است که جامعه‌ای که موفق می‌شود دیسیپلین برقرار کند تا به‌واسطه آن قدرت سیاسی را محدود کند و گردش قدرت را قاعده‌مند کند به‌گونه‌ای که مردم نتوانند جابه‌جایی قدرت را با هزینه کم انجام دهند، یک شاخصی از کیفیت نهاد است؛ بدین معنی که این کشور به بلوغی در حکمرانی رسیده است. اگر کسانی توانستند چنین سیستمی برقرار کنند، قبل از آن از موضوعات آسان‌تری همچون حقوق مالکیت و... گذشته‌اند. بنابراین انتظار ما باید این باشد در کشورهایی که دموکراسی برقرار شده است، وضع آن‌ها نیز از نظر توسعه اقتصادی خوب باشد. اما گزاره‌ای برعکس وجود دارد نه به این معنی که نفی‌کننده باشد، بلکه می‌گوید همزمان دو مکانیزم وجود دارد و مکانیزم دوم می‌گوید دموکراسی یک سازوکار بازتوزیع‌کننده است. در واقع دموکراسی یک تعاونی سیاسی است؛ تعاونی از این جهت که هر نفر یک رای دارد. آقای عجم اغلو این مسئله را اینگونه تعبیر می‌کند که دموکراسی موثرترین نهاد بازتوزیع‌کننده است. به همین دلیل می‌گوید این بازتوزیع رشد را کم می‌کند و در نتیجه اینها برعکس همدیگر کار می‌کنند و نمی‌توان رابطه شسته‌رفته‌ای بین دموکراسی و رشد اقتصادی شناسایی کنیم. یک بُعد دیگر این است که در کشورهای متعارف زمانی که دموکراسی وجود دارد و مردم رای می‌دهند به این رای می‌دهند که دولت چقدر مالیات بگیرد و چقدر خدمات ارائه کند و این رای که چقدر مالیات بگیرد و در واقع همان بازتوزیع حساب می‌شود، باعث می‌شود دولت‌ها ناچار باشند و پاسخگو باشند چراکه زمانی که پول مردم را دریافت می‌کنند باید به آن‌ها جواب بدهند که با این پول‌ها چکار می‌کنند و در اینجا برقراری یک جور ارتباط بین توسعه و سیاست را ملاحظه می‌کنید.

امروز خیلی از مردم ما با این ادبیات آشنا هستند، مبنی بر اینکه عاملی که پاسخگویی برای دولت‌ها ایجاد می‌کند مالیات است. در کشورهای نفت‌خیز، جایگزین آن نفت است و زمانی که عامل پاسخگویی نفت است، مردم چیزی به دولت نداده‌اند که در ازای آن پاسخگویی مطالبه کنند. بلکه رابطه برعکسی بین حکومت و مردم برقرار است و این مردم هستند که دریافت‌کننده منابع از سمت دولت هستند و یک رابطه از بالا به پایین در کشورهای نفت‌خیز برقرار

ابوالفضل دلآوری

عضو هیئت علمی
علوم سیاسی دانشگاه
علامه طباطبائی



همواره بر تفکیک توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی تأکید دارم. در ایران به خصوص از سال‌های ۷۶ به این سمت، زبان و ادبیات ژورنالیستی ما توسعه سیاسی را در دموکراسی خلاصه کرد و ذهنیت فعالان و نیروهای سیاسی و حتی دانشگاهیان ما در حوزه علوم انسانی از توسعه سیاسی فقط دموکراسی را در نظر گرفتند؛ در حالی که مفهوم توسعه سیاسی زمانی که مطرح شد فقط دموکراسی نبود البته دموکراسی هم در یک فرایند در آن قرار دارد. در ابتدا منظور از توسعه سیاسی یعنی یوبایی و افزایش ظرفیت سیستم سیاسی برای انجام کارویژه‌هایش بود؛ که کارویژه‌ها را هم مشخص کرده بودند. در وهله اول حفظ سیستم، ارائه یک الگو در نظام حقوقی و... است و دستیابی به اهداف را نظام سیاسی باید پیش ببرد. نظام سیاسی باید ظرفیت انجام کارویژه‌های سیستم اجتماعی را فراهم کند. سیستم اجتماعی باید معیشت